

## فاقد وجاهت بودن خاکسپاری هاله سحابی، بدون کالبد شکافی

محمد مصطفایی و کیل دادگستری

مرگ افراد یا طبیعی است یا غیر طبیعی در هر دو حال، برای خاکسپاری نیاز به مجوز از پزشکی قانونی است. اما در صورتی که مرگ فردی بر اثر عوامل غیر طبیعی از جمله ضرب و جرح صورت گیرد، چه در این خصوص شاکی خصوصی وجود داشته باشد و چه شاکی خصوصی نباشد، به دلیل جنبه عمومی جرم، لازم و ضروری است تا مرجع قضایی دستور خاکسپاری را، پس از انجام تحقیقات قضایی صادر کند.

پیرامون درگذشت هاله سحابی فرزند مرحوم عزت الله سحابی، دو فرضیه حادث شده است، فرضیه نخست از جانب حکومت و رسانه های داخلی دولتی مطرح گردید که اعلام نموده اند، هاله سحابی بر اثر ایست قلبی فوت نموده اند و فرضیه دوم از جانب خانواده مرحوم و نیز سایت ها و شاهدین صورت گرفته که اعلام می دارد، هاله سحابی، توسط مامورین امنیتی یا عده ای از افراد لباس شخصی به قتل رسیده است.

در گزارشها می خوانیم: هاله سحابی صبح امروز در صف جلو تشییع کنندگان پیکر مهندس سحابی به رفتار خشونت آمیز نیروهای امنیتی و لباس شخصی اعتراض کرده، مورد حمله آنان قرار می گیرد. هاله سحابی که دسته گلی بدست داشته و جلوی همه حرکت می کرده با ممانعت ماموران مواجه می شود. ولی او می گوید باید از همین مسیر تشییع جنازه صورت گیرد. با مقاومت او ماموران با وارد آوردن ضربات لگد و ... به شدت او را مضروب می کنند. او بیهوش می افتد و دکتر پیمان او را به بیمارستان منتقل می کند. اما متأسفانه معالجات بی حاصل مانده، دختر ارشد مهندس سحابی به قتل می رسد.

این گزارش صرف نظر از صحت و سقم آن، البته به دلایلی که خواهم گفت، مقرون به صحت است، مجوزی است تا جنازه مرحوم هاله سحابی، بدون انجام تحقیقات قضایی دفن نگردد. در پرونده های کیفری آنهم در پرونده های قتل، تحقیقات می بایست توسط بازپرسی متخصص و دارای تجربه و سابقه جنایی صورت گیرد. بازپرس ویژه قتل در کنار تحقیقات تخصصی که با

روش های علمی انجام می دهد می بایست برخی از تحقیقات را در حضور خانواده، مرحوم به انجام رساند. از جمله اینکه خانواده مقتول این حق را دارند که بتوانند جنازه متوفی را مشاهده کرده و مشاهدات خود را در صورت جلسه بازپرسی مرقوم کنند، چرا که آنان به عنوان شاکی خصوصی تکلیف بر ارائه دلایل داشته و بازپرس نیز مکلف است دلایل ارائه شده را جمع آوری کند. حال چون در این پرونده بخصوص، دست دولت مردان نیز، مشاهده می گردد و یا احتمال شرکت مامور یا مامورین امنیتی در قتل وجود دارد، نیاز است، افرادی در مقابل خواسته های غیر قانونی و دستورات بر خلاف تحقیقات قضایی و اصول اولیه دادرسی عکس العمل نشان دهند و یا اینکه شاهد انجام عادلانه تحقیقات قضایی باشند. بنابراین در ابتدای امر می بایست، جسد هاله سحابی کالبد شکافی گردد. کوچک ترین ضرب و جرحی، مکتوب و پزشکان بی طرف در خصوص علت تامه فوت خانم سحابی اظهار نظر کنند. چنانچه بر اظهار نظر پزشکی قانونی اعتراضی از جانب خانواده هاله سحابی صورت گرفت یا اینکه اظهار نظر مبهم بود، یک هیات کارشناسی سه نفره از کانون کارشناسان ایران، به اعتراض مطرح شده رسیدگی کند. اینکه جسد خانم سحابی به سرعت و بدون انجام تحقیقات قضایی به خاک سپرده شود، خود ابهاماتی را به وجود می آورد و ظن قتل را به یقین تبدیل می کند.

- هاله سحابی، در گذشته سابقه خصومت با حکومت را داشته است، او به دلیل مخالفت با حاکمان جمهوری اسلامی، پیش تر به دو سال حبس محکوم شده و تا دو هفته پیش نیز در زندان و در بند ۲۰۹ امنیتی، تحت بازداشت نیروهای امنیتی قرار داشت. بنابراین بدیهی و طبیعی است که ماموران امنیتی با او رفتار خوب و انسانی نداشته باشند و در مقابل خواسته هاله، عکس العمل خشونت آمیز از خود نشان دهند.

- اینگونه اقدامات خشونت طلبانه در جمهوری اسلامی بی سابقه نیز نبوده است. در بسیاری از راهپیمایی ها و مراسم عزاداری و ... رفتاری بسیار وحشیانه تر از آنچه که می توان تصور کرد را شاهد بوده ایم. بنابراین، استفاده از زور و خشونت برای ماموران گمنام

امام زمان به دلیل آنکه آنان خود را مافوق قانون دانسته و مطیع فرمایشات، مافوق خود هستند، امری عادی است.

- تاکنون قتل های بسیاری توسط ماموران حکومتی یا کسانی که خود را مامور ولایت فیه می دانند، صورت گرفته است. عمد بودن برخی از قتل ها مسلم و محرز بوده و حتی مسئولین حکومتی خود به قتل بودن مرگ افراد اعتراف کرده اند، اما نه تنها قاتل در اینگونه پرونده ها شناسایی نشده است بلکه خانواده مقتولین نیز خود تحت فشار ماموران امنیتی قرار داشته اند، به گونه ای که خانواده ها، از برگزاری مراسم تدفین نیز محروم بوده اند. بنابراین می توان نتیجه گرفت که برای حکومت جمهوری اسلامی به دلیل داشتن ماموران خود در زمینه قتل هاله سحابی، بهتر آن است که پرونده او را با اعلام "فوت بر اثر سکت قلبی" برای همیشه مختومه اعلام کنند و پای کسی را به میز محاکمه نکشانند.

- در گذشته قتل هایی که توسط مامورین گمنام امام زمان صورت می گرفت به نوعی پنهان بوده است، یا افراد سرشناس مخالف سیاست های حکومت، ربوده می شدند و به قتل می رسیدند، یا بر اثر سانحه ای از پیش تعیین شده به قتل می رسیدند، و یا با نقشه قلبی ترور صورت می گرفت، همچون ترور سعید حجاریان، فروهر و مختاری. اما امروزه می بینیم که قدرت حاکم به قدری افزایش یافته است که شمشیر را از رو بسته و در ظاهر، جوانان این مرز بوم را به قتل می رسانند و اگر هم قادر به قتل کسی نباشند از ابرازهای قانونی با رفتار و اعمال غیر قانونی مثل بازداشت های خودسرانه، بازجویی های طاقت فرسا، شکنجه و برگزاری دادگاههای صوری و تشریفاتی استفاده می کنند.

به هر حال امروز قرعه به نام هاله سحابی افتاده و او به قتل رسیده است و مطمئنا تا زمانی که این حکومت، استوار است و آقای لاریجانی از احکام غیر انسانی و وحشیانه به نام اسلام دفاع می کند و مجوز قتل در قانون مجازات اسلامی وجود دارد، تنها راه احقاق حق شهروندان ایرانی، مبارزه است تا روزی حاکمانی که آمر در قتل و تحت فشار قرار دادن ملت ایران هستند محاکمه گردند. بدیهی است، قتل افراد، ایراد ضرب و جرح و بازداشت های غیر قانونی و غیره تماما با دستور مستقیم و

خواست فردی صورت می گیرد که هم اکنون قدرت را در دست داشته و برای حفظ قدرت به هیچ عنوان قائل به قانون نیست، چه رسد به اینکه بخواهد قوانین ضد حقوق بشر را تغییر دهد.